

هنجارهای حقوقی / فقهی کرونایی؛ مبانی مشروعیت هنجارها و هنجارسازان

حسین سیمایی صراف*

چکیده

کشورها معمولاً از قبل برای مواجهه با بحران، تدابیری اندیشیده و با استفاده از تجربه بحران‌های مألوف گذشته، ستاد یا سازمانی کارآمد برای مدیریت بحران ایجاد کرده‌اند. در ایران آخرین بار در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۷، قانون مدیریت بحران مورد بازنگری قرار گرفت و به تصویب رسید. اما در ماجرای بحران کرونا، از ظرفیت این قانون استفاده نشد و نهاد جدیدی به پشتوانه مصوبه شورای عالی امنیت ملی تأسیس شد که علاوه بر هماهنگی اجرایی بین دستگاه‌های مختلف حکومتی، به اقتضای ضرورت، مداخلات تقنینی هم کرده و بدون طی فرایندهای قانون اساسی، قوانین و مقررات را تقیید، تخصیص یا تعلیق کرده است. آنچه که به ستاد ملی کرونا مشروعیت بخشیده و هنجارسازی‌های این ستاد را موجه و مشروع کرده است، عمدتاً عنصر «ضرورت و اضطرار» است. ضرورت، اضطرار، عسر و حرج و سایر عناوین ثانوی و برخی قواعد حاکم دیگر مثل قاعده لاضرر، قواعد ثانویه‌ای اند که باعث انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری نظام‌های حقوقی با شرایط جدید و مستحدث می‌شوند. مدیریت کرونا این درس مهم را داشت که اثبات کرد، علیرغم ارزشمندی اصل تفکیک قوا و فایده‌مندی تکثر آراء، وحدت دولت و یکپارچگی حکومت برای اداره کشور، یک ضرورت است. در عین حال، نگارنده معتقد است نهادها، روندها و فرایندهای قانون اساسی جز در موارد خیلی ضروری و حیاتی، نباید نقض شوند و حتی‌الامکان باید از ظرفیت‌های قانونی کشور استفاده شود.

کلید واژگان:

بحران، ضرورت، کرونا، قواعد ثانوی.

* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

ویروس کرونا^۱ چنان زلزله‌ای در فرهنگ، اقتصاد، اخلاق، الهیات و روابط بین‌الملل ایجاد کرده است که می‌توان گفت جهان پساکرونا با جهان پیشاکرونا به کلی متفاوت خواهد شد. این ویروس سبک زندگی مردم را به شدت تغییر داده، بر رفتار مذهبی و دینی مردم تأثیر گذاشته، مناسک عبادی جمعی را تعطیل کرده، درب مساجد، حرم‌ها و مشاهد مشرفه را بسته و آیین‌های مذهبی تغسیل و تکفین اموات را لغو یا محدود کرده است. علاوه بر آن، معاملات و قراردادهای خصوصی را دستخوش تغییر کرده و در روابط طرفین معامله اثرات شگرفی گذاشته است. مثلاً مواعد و سررسید انجام تعهدات برخلاف تراضی طرفین تغییر کرده و مطالبه انجام تعهد در برخی موارد اخلاقاً مذموم و قانوناً (با تحلیل اصول و قواعد حقوقی) ممنوع تلقی می‌شوند. این ویروس بیش از همه حوزه حقوق عمومی و دستگاه‌های اداری و دولتی را تحت تأثیر قرار داده و دولت‌ها را به حمایت‌های اقتصادی و معیشتی از مردم واداشته است. به طوری که حتی دولت آمریکا علیرغم اینکه باوفاترین حکومت به سیستم اقتصاد آزاد (لیبرال) است، ناچار به حمایت دو تریلیون دلاری از اقتصاد بنگاه‌های کوچک و بزرگ و خانوارهای آمریکایی شده و دموکراتیک‌ترین کشورها ناچار به وضع مقررات محدودکننده یا سلب‌کننده حقوق و آزادی‌ها نظیر تحدید آزادی تردّد، آزادی اجتماعات، آزادی اشتغال و آزادی انجام مناسک دینی جمعی شده‌اند.

این همه تغییر و تأثیر از ویروسی که اندازه آن از یک میکرون هم تجاوز نمی‌کند، سؤال‌های حقوقی و فقهی زیادی پدید آورده است. پرسش‌هایی نظیر خاستگاه و مشروعیت حقوقی نهادهای تصمیم‌گیر و مبانی حقوقی و شرعی این تصمیمات از مهم‌ترین پرسش‌های این روزهاست. اینکه آیا نهادی به جز پارلمان، دولت و سایر مراجع ذی‌ربط، صلاحیت تقنینی یا اجرایی دارد یا خیر و اینکه منبع و مبنای این تغییرات هنجاری کجاست و اعتبار و حجیت این هنجارشکنی‌ها و هنجارآفرینی‌های جدید از کجاست، پرسش‌هایی است که بعضاً ذهن حقوق‌دانان و گاهی ذهن و فکر شهروندان را به خود مشغول کرده و حتی برخی از آنان را به مقاومت در برابر این تغییرات

1. Corona virus.

سوق داده است. چنان‌که بعضی از متدینان به تعطیلی حرم حضرت رضاع) و حرم حضرت معصومه(س) اعتراض و تجمع کردند.

هدف ما در این نوشتار کوتاه، پاسخی گذرا به دو پرسش بنیادین اخیر است و چون قواعد ثانوی را (عمدتاً) منبع اعتبار و حجیت هنجارهای جدید می‌دانیم، مقدمتاً راجع به ارزش و جایگاه این قواعد در پهنه فقه و حقوق سخن خواهیم گفت.

۱. مبانی اعتبار هنجارهای جانشین و خاستگاه حقوقی نهاد هنجارساز (ستاد ملی کرونا)

صدق گزاره‌های حقوقی / فقهی مرتبط با شرایط ویژه کرونایی، برآمده از قواعد ثانوی نظیر لاضرر و اضطرار است و مرجع مشروع تصمیم‌گیری برای تغییر هنجارهای اولیه به ثانویه^۱ (هنجارهای متناسب با شرایط استثنایی)، گرچه اصولاً خود شخص مکلف یا نهادهای ذی‌صلاح قانونی نظیر دولت و پارلمان است، اما در مورد خاص کرونا (چنان‌که خواهیم دید) نهاد جدیدالتاسیس ستاد ملی کرونا اعتبار قانونی یافته است.

۱.۱. مبانی اعتبار هنجارهای جانشین

کارآمدی یک سیستم حقوقی با کارآمدی قواعد ثانوی و سازوکارهایی که برای استخراج و استنباط احکام حقوقی متناسب با شرایط غیرعادی در درون سیستم حقوقی تعبیه شده است، سنجیده می‌شود. مثلاً تأدیة دین، پرداخت اجاره‌بها، پاس کردن چک، تخلیه عین مستأجره، تحویل جنس و به طور کلی وفای به همه عهدها و پیمان‌ها در سر وعده، یک وظیفه اخلاقی و حقوقی است. آزادی اشتغال، آزادی رفت و آمد، آزادی اجتماعات، آزادی مذهبی و برگزاری

۱. اصطلاح قواعد ثانوی - در این نوشتار - نباید با اصطلاح حکم ثانوی که در فقه و اصول فقه اسلامی به کار می‌رود، خلط شود. مقصود ما از قواعد ثانوی قواعدی چون لاضرر و لاجرح است که می‌توانند منبع حکم ثانوی و حتی حکم اولی باشند. (چنان‌که برخی فقها با استناد به لاضرر خیار غبن یا عیب را مدلل می‌سازند). نگارنده اصطلاح قواعد ثانوی در این نوشتار را با الهام از اصطلاح هارت (Hart) در تقسیم بندی قواعد حقوقی به قواعد اولیه (primary rules) و ثانویه (Secondary rules) به کار می‌برد. هارت (Hart) قواعد ثانوی را به قاعده شناسایی، قاعده تغییر و قاعده قضاوت فرو می‌کاهد و نگارنده در این اثر بیشتر، به قاعده تغییر (Rule of change) نظر دارد. گرچه از وجود تفاوت‌های بین دو اصطلاح غافل نیست. نک:

H.L.A., Hart, *The Concept of law*, Op Cit., London, New York, 1961.

آیین‌های مذهبی و مناسکی به صورت دسته‌جمعی و ده‌ها حق و آزادی دیگر، از هنجارهای حقوقی بدیهی است که در اسناد حقوقی داخلی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند. اما همه این هنجارهای قانونی در صورت بروز شرایط ثانوی و اضطراری قابل تحدید و تعطیل اند. یک شاخص ارزیابی و سنجش کمال و کارآمدی سیستم‌های حقوقی، برخورداری از ابزار دقیق برای تعیین شرایط عبور از هنجارهای اولیه به ثانویه است؛ به طوری که نه از عنوان ثانوی سوءاستفاده و بهانه‌ای برای سلب حقوق و آزادی‌ها شود و نه با استمرار احکام اولیه به حقوق و آزادی‌های مهم‌تر و عام‌تر خدشه و ضربه وارد آید. مثلاً فورس ماژور،^۱ هاردشیپ،^۲ تعدیل قرارداد،^۳ تعلیق اجرای قرارداد،^۴ تعلیق تأدیه دیون،^۵ فسخ یا بطلان قرارداد از موضوعات و احکام مربوط به دوران اضطرار و استثنا هستند.

در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی، سازوکارهای مختلفی برای تغییر یا تحدید هنجارهای اولیه و شرایط عبور از حکم اولی به حکم ثانوی و مدت اعتبار حکم ثانوی و شرایط بازگشت به حکم اولی با دقت زیاد تدارک دیده شده است. قواعدلاضرر، لاجرح و اضطرار از جمله قواعد فقهی اند که منبع و منشأ استنباط ده‌ها حکم اولی و ثانوی شده‌اند. با این قواعد، ظرفیت عظیمی برای تغییر و تعدیل احکام اولیه و عادی در فقه ایجاد شده است؛ به طوری که گاهی احکام از وجوب به حرمت و از حرمت به اباحه یا از حرمت به وجوب تغییر شکل می‌دهند. امروزه پدیده کرونا یکی از پدیده‌های نادری است که تمامی کشورها را در شرایط اضطرار و استثنا فرو برده و بسیاری از احکام و هنجارهای حقوقی را دستخوش تغییر و تحوّل قرارداده است.

۱.۲. خاستگاه حقوقی نهاد هنجارساز / ستاد ملی کرونا

منبع اعتبار قانونی ستاد ملی کرونا چیست و چرا با وجود نهادهای قانونی چون مجلس و دولت، امور تقنینی و اجرایی مدیریت و مقابله با کرونا به این نهاد محوّل شده است؟

1. Force majeure.
2. Hardship.
3. Modification of contract.
4. Suspension of contract.
5. Suspension of payment.

۱.۲.۱. تغییر در فرایندها

در همه یا بسیاری از کشورها، از جمله ایران، ستادی ملی و کشوری در بالاترین سطح، برای اتخاذ تصمیم به منظور پیشگیری و مقابله با ویروس کرونا تشکیل شده است. بعضی از تصمیمات این ستادها تدابیر اداری / مدیریتی و برخی دیگر، تغییرات حقوقی و هنجاری در نظم حقوقی مستقر است. تصمیمات نوع دوم (تصمیمات حقوقی)، از دو منظر قابل توجه‌اند:

نخست اینکه فرایندهای طبیعی قانون‌گذاری در مورد آنها طی نمی‌شود. مثلاً تصمیمات این ستاد در هیئت وزیران یا پارلمان یا سایر نهادهای ذی‌صلاح (مثل انواع شوراهای عالی از قبیل شورای عالی آموزش و پرورش یا شورای عالی ترافیک یا هیئت امنای ذی‌ربط مانند هیئت امنای دانشگاه‌ها) طرح و تصویب نمی‌شوند. درحالی‌که وضع قانون، حق انحصاری مجلس است (اصل هفتاد و یکم قانون اساسی) و حتی لوایح قانونی که دولت تهیه می‌کند، پس از تصویب در هیئت وزیران باید به منظور تصویب و تأیید نهایی به مجلس شورا تقدیم شوند (اصل هفتاد و چهارم ق.ا.). وضع آیین‌نامه‌های مستقل و اجرایی هم در صلاحیت دولت است (اصل یکصد و سی و هشتم ق.ا.) و برخی از مقرره‌گذاری‌ها در صلاحیت شوراها و هیئت‌های امناست. مثل وضع مقررات اداری و استخدامی در دانشگاه‌ها که به موجب ماده ۱ قانون احکام دائمی کشور بر عهده هیئت امنای دانشگاه‌هاست. اما با نگاهی گذرا به فرایندهای تصمیم‌گیری در ستاد ملی کرونا، مشاهده می‌کنیم که این ستاد به پشتوانه مصوبه شورای عالی امنیت ملی که به تأیید رهبری رسیده است (موضوع اصل یکصد و هفتاد و ششم ق.ا.)، به خود حق می‌دهد در حیطه صلاحیتی مجلس و دولت و سایر مراجع ذی‌ربط ورود و به جانشینی آنها عمل کند.

دوم اینکه ستاد ملی به استناد مصوبه یادشده در همه موضوعات و مسائلی که برای پیشگیری و مقابله با کرونا ضرورت دارد، ورود و هنجارهای جدیدی وضع می‌کند یا در هنجارهای قدیم دست می‌برد و تغییر ایجاد می‌کند، بسیاری از آزادی‌ها را سلب و به جای آنها محدودیت وضع می‌نماید.

پس ستاد ملی کرونا، هم فرایندهای طبیعی تقنینی را حذف کرده و صلاحیت نهادهای وضع قانون و مقررات را در اختیار گرفته و هم هنجاری اولیه قانونی را تغییر، تحدید یا تعلیق کرده است. اکنون پرسش این است که با وجود سازوکار قواعد ثانویه در نظام فقهی و حقوقی ایران و

امکان اجرای همه این مانورهای حقوقی (تغییر هنجارهای اولیه به ثانویه) توسط نهادهای ذی صلاح قانونی، چرا ستاد ملی تشکیل و تأسیس شده است؟ آیا قواعد ثانوی ناکارآمدند یا فرایندهای قانون گذاری ناقص و ناکافی‌اند؟

به نظر نگارنده، قواعد ثانوی جوابگوی وضعیت اضطراری و استثنایی پیش آمده اند. لذا به پشتوانه همین قواعد، تصمیماتی در حوزه مذهب - که دشوارترین حوزه تصمیم‌گیری می‌باشد، اتخاذ شده است که تصور آن تا پیش از این حادثه محال به نظر می‌رسید. مشاهد مشرفه که قرن‌ها تعطیل نشده بودند، یکبارہ تعطیل و خالی از زائر شد و چراغ پرفروغ خانه خدا که شاید از بدو پایه‌گذاری توسط حضرت آدم و تجدید بنا توسط ابراهیم خلیل خاموش نشده بود، برای اولین بار خاموش شد.^۱ پس مشکل در ناتوانی قواعد ثانویه نیست. مشکل و معضل در ناحیه فرایندهاست. واقعیت این است که فرایندهای قانون گذاری به اندازه کافی چابک و چالاک برای شیفت از وضعیت عادی به وضعیت اضطراری نیستند. تشریفات وضع قانون و مقررّه، در مجلس و هیئت وزیران در ایران یا هر کشور دیگر آمادگی لازم برای اتخاذ تصمیمات فراوان قانونی و فوری ندارند. حتی سازمان مدیریت بحران کشور که برای شرایط خاص و استثنایی تأسیس شده است، سرعت لازم به اندازه سرعت ویروس کرونا را ندارد و لذا ستاد ملی با ظرفیت و صلاحیت ویژه‌ای تشکیل شد. در سایر کشورها هم غالباً از همین مدل تبعیت شد.^۲

قابل ذکر است که تشخیص وضعیت اضطراری و انتخاب هنجارهای ثانویه گاه توسط خود شخص و گاه در سطح ملی توسط دولت، نهاد پارلمان یا سازمان‌های ویژه وضعیت اضطرار، مثل سازمان مدیریت بحران، صورت می‌گیرد. مثلاً یک مسلمان متشرّع با تشخیص ضرر داشتن وضو یا روزه برای سلامتی خود، به جای وضو تیمم می‌کند و از امساک و روزه اجتناب می‌نماید یا در صورت جنگ یا شرایط اضطراری دیگر، دولت با تصویب مجلس اقدام به برقراری حکومت نظامی می‌کند (اصل هفتاد و نهم ق.ا.) و یا در صورت سیل و زلزله، سازمان مدیریت بحران

۱. جالب است که تصمیمات این ستاد در حیطه‌های دینی و مذهبی توسط مراجع تقلید و رهبران دینی ایران و عراق مورد تأیید کلی قرار گرفت.

۲. جدیدترین ویرایش قانون مدیریت بحران کشور، مصوب هفتم مردادماه ۱۳۹۸ (یعنی ۶ ماه قبل از شیوع ویروس کرونا) است و در آن شورای عالی مدیریت به ریاست رئیس‌جمهور یا معاون اول پیش‌بینی شده است. مع الوصف این قانون جدیدالتصویب متناسب با خطرات ویروس کرونا نبود.

تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. اما در مورد ویروس عالمگیر کرونا هیچ‌یک از این ظرفیت‌های قانونی متناسب با سرعت، شدت و فوریت ویروس نبودند. لذا ایران مانند بسیاری از کشورها با چشم‌پوشی از نهادهای جاری هنجارساز، اقدام به تأسیس نهاد جدیدی با ریاست بالاترین مقام اداری / سیاسی کشور و اختیارات و صلاحیت‌های نامحدود و فراقانونی کرد.

تجربه نشان داده است که تشکیل این ستاد که با ریاست رئیس‌جمهور و فرمان‌پذیری همه اجزای حاکمیت، اعم از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، دستگاه قضایی، نیروهای مسلح و حتی حوزه‌های علمیه، صورت گرفت، منجر به موفقیت نسبی کشور در مدیریت و مهار کرونا شد؛ در حالی که در وضعیت بی‌سابقه تحریمی آمریکا بیم شکست بزرگ بهداشتی وجود داشت. این تجربه موفق نشان داد که کشور تا چه اندازه از چندپارگی در حاکمیت (در سایر موضوعات) رنج می‌برد. چقدر هزینه‌های غیرضرور بر کشور تحمیل می‌شود و چه فرصت‌ها که به هدر می‌رود. تجربه اداره یکپارچه کرونا، ضرورت حاکمیت یگانه و دولت واحد مقتدر را آشکار کرد.

۱.۲.۲. تغییر در هنجارها، تعلیق هنجارها و دخالت در صلاحیت‌ها

همه تصمیمات ستاد ملی کرونا از اولین جلسه در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۶ تا جلسه بیست و چهارم به تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲۴^۱، قانون‌گذاری یا تغییر در قوانین موجود نیست. بعضی از آنها جنبه هماهنگی بین دستگاه‌ها، بعضی جنبه حمایتی از اقشار آسیب‌دیده از ویروس کرونا و بعضی جنبه اداری و مدیریتی دارند. تنها دسته‌ای از آنها جنبه تغییر در قوانین (شامل تخصیص یا تقیید قوانین موجود، تمدید مهلت‌ها و مواعدها و مانند آن) دارند. چنان‌که قبلاً نیز گفته شد، علاوه بر تغییر در مقررات موضوعه، دخالت در صلاحیت‌های سازمان‌ها و نهادهای دیگر قانونی در اغلب آنها دیده می‌شود. در این بخش به تعدادی از تصمیمات تغییردهنده در هنجارهای موجود، تعلیق‌کننده اجرای برخی از هنجارها یا مداخله‌گر در صلاحیت تقنینی و تصویبی سایر نهادها اشاره می‌کنیم.

۱. تاریخ نگارش این مقاله.

جدول مصوبات واجد جنبه تقنینی ستاد ملی مقابله با کرونا

ردیف	موضوع مصوبه	حکم قانونی مرتبط/تغییر یافته/ تعلیق شده
۱	- محدودسازی فعالیت یا تعطیلی مدارس - تغییر تقویم آموزشی مدارس	- لایحه قانونی راجع به تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات بعدی آن - مواد ۳ و ۶ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش پرورش مصوب ۱۳۶۶
۲	مرخصی کلیه زندانیان غیرخطرناک	ماده (۵۲۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
۳	کاهش یا تغییر ساعات و ایام کار کارکنان دستگاهها	ماده (۸۷) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶
۴	تمرکز تصمیم گیری در موضوعات مربوط به حمل و نقل مسافر و کالا صرفاً در ستاد	از جمله مواد (۱) و (۷) قانون تغییر نام وزارت راه و ترابری و تجدیدنظر تشکیلات و تعیین وظایف آن مصوب ۱۳۵۳ و قانون شهرداری
۵	انفصال موقت از خدمت، پلمپ و تعطیلی مؤسسه یا محل فعالیت، قطع حمایت از امتیازات دولتی مثل یارانه و معافیت مالیاتی به دلیل تخلف از مصوبات	ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ و قانون بودجه سالانه در مورد نحوه برخورداری از یارانه و قانون مالیات‌های مستقیم
۶	تغییر تقویم آموزشی دانشگاهها	- ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵ - ماده (۱۰) قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۳
۷	تحت پوشش بیمه قرار دادن افراد بی بضاعت و تقبل سهم ده درصد فرانشیز آنها	بند (الف) ماده (۹) قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵
۸	عدم دریافت تعرفه مقرر برای واردات مواد اولیه و تولید دارو	از جمله ماده (۱۱۹) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ و مواد (۲) و (۴) قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲
۹	تعویق تاریخ اعزام متخصصان بالینی مشمول خدمت وظیفه عمومی تا دو ماه	تبصره ماده (۳۳) قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۱

از جمله مواد (۱۰)، (۱۱)، (۱۷) و (۲۸) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲	تغییر ساعات و ایام فعالیت اصناف	۱۰
مواد (۶۳) و (۶۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶	انتقال وجوه مصرف نشده مربوط به اعتبارات هزینه و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای قانون بودجه سال ۱۳۹۸ به سال ۱۳۹۹ به منظور مصرف در سال جاری و تعیین مهلت برای هزینه‌های جاری تا پایان خرداد و هزینه‌های عمرانی تا پایان شهریور	۱۱
مواد (۱۵) و (۱۶) قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات بعدی	تمدید مهلت‌های موضوع مواد (۱۵) و (۱۶) قانون مبارزه با مواد مخدر در مورد نگهداری معتادان	۱۲
بند (ج) و تبصره (۱) ماده (۵) مکرر قانون صدور چک	عدم محرومیت از دریافت وام قرض الحسنه به منظور بدهی جاری به شبکه بانکی و چک برگشتی رفع سوءاثر نشده	۱۳
بند (۲) ماده (۱) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳	تعطیلی موقت اماکن متبرکه مذهبی	۱۴
حسب مورد قوانین و مقررات مربوط	تمدید مهلت‌های مقرر در قوانین و مقررات ناظر بر تشکیل مجمع عمومی شرکت‌های سهامی عام تا پایان تیر ۱۳۹۹، به مدت دو ماه	۱۵
- از جمله مواد (۲۶)، (۸۰)، (۱۰۰) و (۱۵۶) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ - مواد (۱۰) و (۲۳) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷	تمدید مواعید مندرج در قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده برای تسلیم اظهارنامه مالیاتی و رسیدگی مالیاتی که مهلت انقضای آن از ۱۳۹۹/۲/۱ تا ۱۳۹۹/۴/۳۱ بوده است، به مدت دو ماه	۱۶
مواد (۱) و (۷۶) تا (۸۰) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب	فعال‌سازی ستادهای استانی متناظر ستاد ملی و حمایت از مشارکت	۱۷

شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن	سمن‌ها	
ماده (۲۹) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ - مواد (۲۲۷)، (۶۵۶)، (۶۶۰) و (۶۷۸) قانون مدنی	احتساب تعطیلی الزامی مراکز تعویض پلاک به عنوان تعطیل رسمی موضوع ماده ۲۲۷ قانون مدنی و تمدید اعتبار و کالت‌نامه‌های تعویض پلاک تا دو ماه	۱۸
مواد (۱) و (۳) قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶	تمدید دو ماهه مدت قرارداد اجاره اماکن مسکونی	۱۹
- مواد ۱ و ۳ اساسنامه فدراسیون‌های ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۱ - ماده ۸ قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی ایران مصوب ۱۳۵۰	فعالیت باشگاه‌های ورزشی	۲۰
مواد (۸)، (۱۰) و (۱۸) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹	رفع توقیف خودروهای متخلف از مقررات ممنوعیت سفر	۲۱
بند (و) تبصره (۶) و بند (و) تبصره (۲۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور	تمدید ضرایب ارزش افزوده دسته‌های صنفی بند (و) تبصره (۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۸ به مدت یک سال (تا پایان سال ۱۳۹۹)	۲۲
مواد (۱۲۲) و (۱۲۶) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۸۹	واگذاری اختیارات مدیریت صادرات و واردات اقلام و تجهیزات مرتبط با بیماری کرونا به وزارت صنعت، معدن و تجارت	۲۳
ماده (۱) قانون اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۵۹ - بند (۶) ماده (۲۲) اساسنامه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۶۲	انجام تبلیغات رایگان کسب و کارهای اینترنتی و شرکت‌های فعال (با ذکر نام) در صدا و سیما	۲۴
بندهای (خ) و (د) ماده (۲) اساسنامه شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی - مصوب ۱۳۸۸	نحوه برگزاری مراسم روز جهانی قدس و عید سعید فطر	۲۵
بند (ن) ماده (۲۸) قانون الحاق (۲) مصوب ۱۳۹۳ و ماده (۷) قانون محاسبات عمومی کشور - مصوب ۱۳۹۹	تأمین اعتبار و تخصیص مابه‌التفاوت نرخ (۸) درصد یارانه تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی تا سقف ۲۶	۲۶

	هزار میلیارد تومان از محل اعتبارات سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰	
از جمله ماده (۵) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مصوب ۱۳۸۲	تعطیلی یا بازگشایی موزه‌ها و اماکن تاریخی و فرهنگی	۲۷
از جمله تبصره بند (الف) ماده (۱) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۸۶	تصویب آیین‌نامه تعیین مصادیق و امتیازات شهید خدمت برای پزشکان و پرستاران و بیمارانی که در مقابله مستقیم با بیماری جان خود را از دست می‌دهند.	۲۸
از جمله ماده (۱) قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۶۷-	تحويل منابع یا کمک‌های داخل و خارجی جمعیت هلال احمر به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۲۹
ماده (۱) قانون تأسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور مصوب ۱۳۷۳	اجرای طرح ترافیک در تهران	۳۰
ماده (۱) قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه های عمومی کشور مصوب ۱۳۸۲	فعالیت کتابخانه‌های عمومی	۳۱

۲. مبانی اعتبار هنجارهای فقهی کرونایی

منبع اعتبار هنجارهای فقهی کرونایی، همانند هنجارهای حقوقی، عمدتاً قواعد ثانوی است. گرچه در مورد گزاره‌های فقهی از نوع احکام اولیه، همان ادله و مبانی حکم اولی، مبانی اعتبار و حجیت است. از باب نمونه، چند مورد و مصداق را بررسی می‌کنیم.

۲.۱. فقه عبادات

دو اصل از اصول موضوعه و پیش‌فرض مباحث ذیل است:

- تشخیص موضوع با مقلد (عرف) است. بنابراین در مانحن فیه تشخیص ضرر با کارشناسان و پزشکان است.

- رجوع جاهل به عالم، عقلاً و شرعاً لازم است و در مانحن فیه، پزشکان، خبیر و دانا محسوب می‌شوند و سایرین باید به آنها رجوع کنند.

با عنایت به دواصل بالا، چند فرع فقهی را بررسی می‌کنیم:

۱. گرچه به عنوان حکم اولی، تغسیل، تکفین و نماز بر میت واجب است، اما در صورتی که به تشخیص متخصصان از رهگذر این واجبات، ضرری - ولو احتمالی - متوجه غسل یا نمازگزار بر میت و سایر دست‌اندرکاران شود، به استناد قاعده لاضرر، حکم وجوب احکام فوق‌الذکر منتفی می‌شود. البته بر طبق قاعده «الضرورات تنقذ بقدرها و المیسور لا یسقط بالمعسور»، اگر تغسیل ضرری، ولی تیمم مقدور باشد یا تیمم هم مضر، ولی نماز ممکن و مقدور باشد، تیمم یا نماز حسب مورد ساقط نمی‌شوند.
۲. وجوب نماز جمعه، در صورتی که واجب باشد، و وجوب روزه و حج، در صورتی که شرایط کرونایی تا ماه‌های آینده ادامه یابد، به استناد قاعده لاضرر منتفی و بنابر برخی مبانی از باب اجتماع امر و نهی، حرام و حتی باطل خواهد بود. چنان‌که مرحوم سیدکاظم یزدی، وضو و غسل ضرری را نه تنها واجب نمی‌داند، بلکه باطل هم می‌داند.^۱
۳. استحباب نماز جمعه، در صورتی که مستحب باشد، و نماز جماعت، در صورتی که موجب ضرر به نمازگزار یا اضرار به غیر شوند، به استناد لاضرر، منتفی می‌شود. این فرع از مصادیق قاعده تزامم و تقدیم حرام (حرمت اضرار به نفس یا به غیر) بر مستحب هم می‌باشد. البته بنابر برخی نظرات، احکام استحبابی مشمول قاعده لاضرر نیستند^۲ که در این صورت از باب تزامم حرام (مستفاد از لاضرر) و مستحب (نماز جمعه و جماعت) بدیهی است که حرام مقدم می‌شود.
۴. بستن مسجد به حکم حرمت صدّ عن سبیل الله و وجوب تعظیم شعائر، ممکن است جایز نباشد.^۳ اما اگر به تشخیص خبره، باز بودن آن موجب ضرر نمازگزاران یا گسترش ویروس به

۱. یزدی، سیدکاظم، *العروه الوثقی*، مبحث شرایط الوضو، بی‌تا، بی‌جا، ص ۷۴ و احکام التیمم، ص ۱۱۵.
 ۲. و أما الحکم الغير الالزامی الذی یكون المکلف مرخصاً فیہ کالاستحباب و الکراهه فلا یكون مشمولاً للقاعده حیث ان جعله لایوجب ایقاع المکلف فی الضرر من ناحیه الشارع مع رخصته فی عدم الاقدام بل الضرر مستند الی العبد باختیاره الاقدام علی مافیہ الضرر(خویی، سید ابوالقاسم، *مصباح الاصول*، جلد ۲، (قاعده لاضرر)، بی‌تا، بی‌جا، ص ۵۳۳.

۳. بنابر فتوای فقها حتی برای تجدید بنای مسجد باید به حداقل تعطیلی اکتفا کرد. لذا اگر برای تجدید بنای مسجد نیاز به تخریب همه مسجد نباشد، تخریب تمام مسجد جایز نیست. یا اگر تضمینی برای تأمین هزینه‌های بازسازی مسجد نباشد، تخریب مسجد جایز نیست و یا تجدید بنای مسجد نباید بیش از حد معمول طول بکشد (نک: سیستانی، *توضیح المسائل*، مسئله ۱۰۷۹، بی‌تا، بی‌جا).

دیگران باشد، به استناد قاعده اضطرار «الضُّرورات تبيح المحذورات»، مجاز نخواهد بود و شاید به استناد قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، بستن آنها واجب باشد.^۱

۵. تشرّف به مشاهد مشرفه که از مستحبات مؤکد است و گردهمایی در هیئت‌ها و مجالس مذهبی که از مصادیق تعظیم شعائرند، اگر موجب اضرار به شخص یا اضرار به جامعه مسلمین و گسترش بیماری شوند، نه تنها مستحب نیستند، بلکه از باب نهی از اضرار به غیر حرام نیز خواهند بود. این فرع هم از مصادیق تراحم مستحب با حرام است که مسلماً حرام مقدّم بر مستحب می‌شود.

۲.۲. فقه مسؤلیت؛ قصاص، دیه و ضمان

مسئله این است که اگر کسی مبتلا به ویروس کرونا باشد و عمدتاً یا سهواً بدون اطلاع از ابتلای خود یا با علم به ابتلای خود اما غفلتاً و بدون قصد و اراده، ویروس را به دیگری انتقال دهد، آیا مرتکب معصیت شده است و حسب مورد باید قصاص شود یا جبران خسارت کند و دیه بدهد؟ برحسب موازین فقهی، ایراد ضرر و خسارت به غیر، گاهی عنوان جنایت پیدا می‌کند و حسب اینکه عمدی یا خطایی باشد، موجب قصاص یا پرداخت دیه و ضمان شرعی می‌شود. در اصطلاح حقوقی این موارد تحت عنوان مسؤلیت کیفری و مدنی بررسی می‌شوند.

۲.۲.۱. مسؤلیت کیفری؛ قصاص، دیه و تعزیر

اگر انتقال ویروس عمدی باشد، در صورتی که ناقل قصد قتل داشته باشد و مجنی علیه کشته شود، جانی قصاص می‌شود. اما اگر قصد قتل نداشته و فقط قصد انتقال بیماری را داشته باشد و منتقل الیه هم بیمار شود، جانی تعزیر می‌گردد. اگر انتقال به نحو گسترده و به منظور ایراد ضرر و

۱. تعظیم و احترام مسجد الحرام و تأکید بر زیارت مسجدالنبی تا آنجاست که هیچگاه نباید کعبه از حاجی و مسجد النبی از زائر خالی باشد. اگر به فرض مسلمانان کعبه را خالی بگذارند و به زیارت مسجدالنبی نروند حاکم شرع باید آنان را به اجبار به حج و زیارت بفرستد و اگر خالی گذاردن کعبه و مسجد النبی به علت عدم تمکن مالی باشد باید هزینه زیارت آنان را بپردازد. لایحوز تعطیل الكعبه علی الحج، و الأخبار الدالّة علی أنّ علی الإمام - كما فی بعضها - و علی الوالی - كما فی آخر - أن یجبر الناس علی الحج و المقام فی مکة و زیارة الرسول (صلی الله علیه و آله) و المقام عنده، و أنّه إن لم یکن لهم مال أنفق علیهم من بیت المال (۱) (سبزواری، سید عبد الأعلى، مهتدب الأحكام (السبزواری)، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق و نیز نک: خوبی، سید ابوالقاسم، موسوعه الامام خوئی، جلد ۱۴، بی تا، بی جا، ص ۳۹۲.

جنایت به عموم مردم باشد، برحسب برخی نظرات فقهی مصداق «إفساد فی الارض» تلقی می‌شود^۱ (قانون مجازات اسلامی به تبع فقها در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. بهاین موضوع پرداخته است). اگر انتقال دهنده و ویروس قصد قتل نداشته یا اساساً ویروس یادشده به لحاظ نوعی یا شخصی، آلت قتاله نباشد و در عین حال مجنی علیه با انتقال ویروس مرده باشد، انتقال دهنده ممکن است به پرداخت دیه محکوم شود.^۲

نکته بسیار مهم در احراز جنایت و مسئولیت، قابلیت «انتساب» جنایت به شخص انتقال دهنده و ویروس است. چون صرف انتقال ویروس و بیماری یا فوت انتقال گیرنده موجب قصاص نمی‌شود. چه بسا در کنار انتقال ویروس، عوامل دیگری نیز دخالت کرده باشند که به لحاظ علمی یا عرفی قتل مستند به آنها بوده باشد. مثلاً فقدان تجهیزات بیمارستانی، عدم اقدام انتقال گیرنده به درمان یا عدم رعایت پروتکل‌های درمانی و ده‌ها عامل دیگر ممکن است دخالت کرده باشند؛ به نحوی که زنجیره ارتباط و استناد مرگ به انتقال دهنده و ویروس قطع شده باشد. باید از نظر علمی یا عرفی «جنایت» قابل استناد به انتقال دهنده باشد تا وی قصاص یا تعزیر شود. فقها در ابواب جنایت و قصاص و دیات به عنصر استناد و ضرورت احراز این رابطه به نحو مستوفات اشاره کرده‌اند. قانون مجازات اسلامی به تبع آنها در مواد مختلف از جمله در مواد ۴۹۲، ۴۹۴، ۵۰۶، ۵۲۶، ۵۰۰ و ۵۲۹ به این موضوع پرداخته است.

۲.۲.۲. مسولیت مدنی؛ ضمان شرعی

اگر کسی سهواً عامل انتقال ویروس به دیگری شده باشد، مثل اینکه از بیماری خود اطلاع نداشته یا با علم و اطلاع از بیماری، بدون علم و عمد به نحوی رفتار کرده باشد که بیماری به دیگری منتقل شده باشد، گرچه مسئولیت کیفری ندارد، ضامن جبران خسارت است. چون در احکام وضعی که ضمان یکی از مصادیق آنهاست، علم و عمد شرط نیست. اما باید به این نکته خیلی مهم توجه کرد (همان‌گونه که در بند بالا گفته شد) که ورود خسارت باید به عامل انتقال

۱. نک: فروغی و همکاران، نحوه احراز مسولیت کیفری در بیماری‌های واگیردار، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۱۳۹۴، شماره ۳۵.

۲. بحث از انواع قتل و تمیز قتل عمد از شبه عمد و خطائی و احکام آنها بسیار مفصل است که در این مقال کوتاه نمی‌توان به آن پرداخت. اما می‌توان به مؤمنان و همه شهروندان توصیه کرد که حداکثر احتیاط و اجتناب از تماس با دیگران را بنمایند تا مشمول احکام قصاص و دیات و تعزیرات نگردند.

ویروس «قابل استناد» باشد و حاکم شرع این استناد را باید احراز کند تا بتواند حکم به مسئولیت صادر کند. پس صرف انتقال ویروس از کسی به دیگری لزوماً منجر به ایجاد مسئولیت نمی‌شود؛ زیرا ورود خسارت ممکن است معلول عوامل دیگری باشد یا سایر عوامل علاوه بر انتقال ویروس ممکن است نقش داشته باشند که در این صورت مسئولیت بین همه عوامل تقسیم و تسهیم خواهد شد.

البته ناگفته نماند که تعهد ایمانی و شهروندی ایجاد می‌کند که همه شهروندان، حتی کسانی که ظاهراً مبتلا نیستند، به شدت جانب احتیاط را مراعات می‌کنند و از هرگونه رفتاری که باعث ایجاد خطر و ایراد ضرر برای دیگران شود، خودداری می‌کنند تا حق الناس ذمه آنان را مشغول نکند. چنان که متدینان در گذشته هنگام برفروبی خانه و دکان خود، نزولات آسمانی را به کوچه و خیابان هدایت نمی‌کردند تا مبادا حق الناس گریبان آنها را بگیرد. لذا کسانی که بر گشودن درهای مشاهد مشرفه پای می‌فشارند یا ضریح‌لیسی می‌کنند (جدا از وهن دین و ایجاد نفرت از دین و خدشه بر حیثیت مؤمنین) درک درستی از مفهوم حق الناس یا تشخیص مصادیق آن ندارند، گرچه عنوان عالم دینی را هم یدک بکشند. این گروه در مواردی حتی از باب «المغرور یرجع الی من غره» (قاعده غرور) ضامن هم می‌شوند.^۱ همچنین مسافرت‌های تفریحی که این روزها بر اثر تعطیلات عید نوروز فزونی گرفته است، حقیقتاً شبهه شرعی دارد.

۲.۳. فقه طب

درمان بیمار یا پرستاری از وی که در حالت طبیعی، امری مباح است در شرایط اضطرار تبدیل به واجب کفایی می‌شود. اما فقیهان گفته‌اند که تحمل ضرر به خاطر دفع ضرر از دیگری لازم نیست، براین اساس، چرا باید طبابت یا پرستاری از بیماران کرونایی که ممکن است منجر به بیماری طیب و پرستار شود، واجب باشد؟ پاسخ این است که طبابت یا پرستاری از بیماران را باید مثل رزمندگان میدان جنگ، آتش‌نشانان و سایر مشاغل پرخطر محسوب کرد که اولاً، ذات شغل آنان درگیری با این حوادث است. ثانیاً، آنان به اقتضای تخصص خود به راه‌های ایمنی، بهتر از

۱. ممکن است کسی که با رفتار مشتمر کننده خود ضریح‌لیسی می‌کند، ضامن نباشد، اما عالم دینی که بیان و قلم او در افکار عمومی نفوذ دارد و ممکن است بعضی بدون تأمل و درنگ و کورکورانه از وی تبعیت کنند، حتماً از باب غرور ضامن خواهد بود.

عموم مردم آگاه‌اند و همچنین از تجهیزات ایمنی لازم برخوردارند. لذا اصولاً به اقتضای شغل و سمتشان باید به درمان و تیمارداری بپردازند و اگر مبتلا شوند یا در معرض خطر جدی قرار گیرند که ادامه کار به لحاظ پزشکی جایز نباشد، حتماً باید مثل دیگران از مواجهه با این خطر اجتناب کنند.

۲.۴. فقه عقود؛ فورس ماژور

طرفین معامله باید طبق اصل لزوم وفای به عهد (أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) به عقود و تعهدات ناشی از آنها عمل کنند. بنابراین، به عنوان مثال، بایع و مشتری باید عوض و ثمن معامله را در موعد مقرر تأدیه و تسلیم کنند یا پیمانکار باید در سرورعه به پیمان خود عمل کند. اما اگر به خاطر شیوع بیماری، مواد اولیه تولید به دست تولیدکننده نرسد یا به سبب بیماری کارگران یا تعطیلی کارگاه امکان ایفای تعهد در سرورعه ممکن نباشد، به حکم قاعده فقهی نفی عسر و حرج، وجوب وفای به عهد در موعد مقرر منتفی می‌شود. در حقوق فرانسه و به تبع آن در ماده ۲۲۷ قانون مدنی، از اصطلاح فورس ماژور استفاده شده است که به نظر می‌رسد از قاعده لاجرح در فقه دقیق‌تر است. چون لاجرح تکلیف را در صورت مشقت و دشواری نفی می‌کند؛ در حالی که در شرایط ویروس کرونا ممکن است انجام تعهد اصلاً ممکن و مقدور نباشد، نه اینکه ممکن، اما دشوار باشد. البته می‌توان پاسخ داد که اگر در صورت دشواری (حرج)، وجوب انجام تعهد منتفی می‌شود، در صورت نامقدور شدن تعهد، به طریق اولی منتفی خواهد شد. ضمن اینکه می‌توان به قبح «تکلیف بما لا یطاق» هم برای رفع تکلیف وجوب استناد کرد.

شایسته است دولت یا قوه قضائیه برای پیشگیری از دعاوی قضایی فراوانی که در راه است، هر چه سریع‌تر کرونا را به عنوان مصداق قوه قاهره و فورس ماژور شناسایی کنند و زمان شروع و حتی الامکان خاتمه آن را هم معین کنند تا از تراکم دعاوی در دادگستری پیشگیری شود. البته روشن است، تعهداتی که متأثر از شرایط کرونایی نیست و می‌تواند در سرورعه وفا شوند، از شمول قاعده عسر و حرج و فورس ماژور خارج‌اند.

نتیجه‌گیری

۱. یک شاخص کارآمدی نظام‌های حقوقی مدرن، ظرفیت انطباق آنها با شرایط اضطراری و بحرانی است. نظام فقه اسلامی و به تبع آن نظام حقوقی ایران از این قابلیت برخوردارند که به وسیله قواعد ثانوی، گزاره‌های قانونی یا شرعی عادی و جاری را برحسب شرایط بحرانی و مستحدث، تحدید، تعلیق یا به هر نحو مقتضی دیگر تغییر دهند. این پیشینه (امکان تغییر احکام به تبع تغییر شرایط) در فرهنگ فقهی و حقوقی ما این فایده مهم را داشت که تغییر هنجارهای حقوقی یا فقهی و تعطیلی سنت‌ها و آیین‌های مذهبی و ایرانی که بعضاً از مهم‌ترین قوانین کشور، پایدارتر و پرنفوذتر بودند، با مقاومت منفی قابل ذکر از جانب شهروندان یا رهبران دینی مواجه نشدند.

۲. توفیق نسبی دولت در پیشگیری و مقابله با کرونا مرهون یکپارچگی، هماهنگی و نظم‌پذیری همه اجزای حاکمیت، حتی قوای مقننه و قضائیه و نیروهای مسلح؛ از دولت به عنوان نهاد اداره‌کننده کشور بود. بی‌شک توفیق در سایر عرصه‌ها نیز در گرو دولت یگانه و واحد است.

۳. گرچه بحران عالمگیر و بی‌سابقه کرونا منجر به تأسیس ستاد ملی کرونا (به عنوان نهادی که در حیطه صلاحیت سایر نهادهای قانونی کشور مداخله کرد) گردید، شکی نیست که مدت عمر این نهاد و موضوعات و مسائل مورد عمل آن باید محدود و مشروط به شرایط استثنایی و خاص کشور باشد و حتی‌الامکان باید از تعطیل کردن یا تحدید و تعلیق نمودن نهادهای قانون اساسی خودداری کرد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

مقاله

۱. فروغی و همکاران، نحوه احراز مسولیت کیفری در بیماری‌های واگیردار، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۱۳۹۴، شماره ۳۵.

ب) منابع عربی

۲. خوبی، سید ابوالقاسم، *مصباح الاصول*، ج ۲، (قاعده لاضرر)، بی‌تا، بی‌جا.
۳. -----، *موسوعه الامام خوئی*، جلد ۱۴، بی‌تا، بی‌جا.
۴. سبزواری، سید عبدالاعلی، *مهذب الأحكام*، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.
۵. سیستانی، سید علی، *توضیح المسائل*، مسئله ۱۰۷۹، بی‌تا، بی‌جا.
۶. یزدی، سید کاظم، *العروه الوثقی*، مبحث شرایط الوضوء، بی‌تا، بی‌جا.

قانون

۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با علامت اختصاری ق.ا.).
۸. قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور.
۹. قانون مجازات اسلامی (با علامت اختصاری ق.ا.م.).
۱۰. قانون مدنی (با علامت اختصاری ق.م.).
۱۱. مصوبات ستاد ملی کرونا.

ج) منابع انگلیسی

Book

12. H.L.A., Hart (1961), *The Concept of law*, Op Cit., London, New York.